



زندانیان سیاسی زن و  
شرایط بند زنان در زندانهای ایران  
گزارش ویژه کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت



فروردین ۱۳۹۵

دست کم چهل زندانی زن بخاطر اتهامات سیاسی، عقیدتی و امنیتی در زندان‌های مختلف رژیم بسر می‌برند. این در حالی است که در ایران تحت حاکمیت آخوندها که زنان باید در خانه بمانند، فعالیت سیاسی برای زنان جرمی مضاعف است و کینه مقامات را بیشتر بر می‌انگیزد.

از این رو، این زنان با توجه به وضعیت خاص بیماری یا مادر بودن و در حالیکه زندانهای زنان بلحاظ زیر ساخت‌ها نیز از وضعیت غیر انسانی تری به نسبت سایر زندانها برخوردار است در شرایط بسا طاقت فرسای بسر می‌برند. وضعیت بعضی از این زندانیان بصورت خلاصه بررسی شده است.

### مریم اکبری منفرد

اتهام: محاربه از طریق همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران

محکومیت: ۱۵ سال حبس در تبعید

زندان: زندان اوین

مریم اکبری منفرد در دی ماه ۱۳۸۸ بازداشت شده و به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم گردید.



۳ برادر و یک خواهر مریم اکبری منفرد در سالهای ۶۰، ۶۳ و ۶۷ در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران اعدام شدند. برادر دیگر او رضا نیز در زندان رجایی شهر محبوس است. همچنین، ۲ خواهر و یک برادر دیگر مریم ساکن کمپ لیبرتی در عراق می‌باشند. مریم اکبری منفرد در نامه ای به احمد شهید از قول قاضی صلواتی خطاب به خود نوشته بود: "تو جور خواهر و برادرهایت را می‌کشی".

این زندانی مادر سه دختر است که کوچکترین آنها هنگام دستگیری مادر ۴ ساله و هم اکنون ۱۱ ساله است. همسر مریم می‌گوید: "به مریم اتهام محاربه زدند در حالیکه در قانون خودشان محاربه به کسی گفته می‌شود که علیه نظام با سلاح بجنگد. صلواتی می‌گوید، "من لطف کردم به خاطر بچه هایش اعدام ندادم". خانواده مریم دو مرتبه مبلغ یک میلیارد و صد و پنجاه میلیون تومان وثیقه برای آزادی او پرداخت کردند اما با مخالفت ماموران امنیتی مواجه شدند و طی ۶ سال زندان هیچگونه مرخصی به او داده نشد. از طرف دیگر مریم بیمار است و باید به پزشک متخصص رماتولوگ در خارج از زندان مراجعه کند اما ماموران مانع اینکار شده و به شیوه‌های مختلف این امر را به تاخیر می‌اندازند.

### فهیمه اعرفی

اتهام: عضویت و همکاری در گروه عرفان حلقه

محکومیت: ۵ سال حبس تعزیری

زندان: زندان قرچک ورامین



فهیمة اعرفی روز سوم شهریور بدون هیچ گونه احضار کتبی یا شفاهی توسط سپاه پاسداران، در منزل خود بازداشت شد و روانه زندان زنان قرچک ورامین گردید. او پیش از این نیز دو بار به شیوه وحشیانه ای بازداشت شده بود. در اردیبهشت ۱۳۹۴ به دلیل اعتراض به انحراف شدید در سیستم دادرسی از خیابان ربوده شد و به مدت ۴۲ روز در انفرادی اوین و زیر فشار بازجویی بسر برد.

### سروه عبدی

سروه عبدی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه پیام نور پیرانشهر در ۹ آذر ماه ۱۳۹۴ به همراه برادر و نامزدش در خانه خود در شهر سردشت توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. مقامات رژیم لا اقل تا یک ماه هیچ پاسخی در مورد محل نگهداری او به خانواده نمی دادند.

او پیشتر نیز در سال ۹۳ بدلیل چاپ پرچم کردستان بازداشت و سپس با تودیع وثیقه آزاد شده بودند.

### بهارین عسگریه

زندان: تهران



بهارین عسگریه در تاریخ ۳ شهریور ماه ۱۳۹۴ در حین عبادت در حرم حضرت معصومه در شهر قم در حالت دست بسته و چشم بسته دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شد. وی پیش از این نیز در سال ۹۰ دستگیر شده و مدت ۴۰ روز را در بند الف زندان اوین تحت فشار و شکنجه روحی و روانی شدید بازجویی شده و بدون هیچ توضیحی در نقطه نامعلومی از شهر رها شده بود. او سرپرست خانوار می باشد.

### مطهره بهرامی حقیقی

اتهام: محاربه از طریق همکاری با سازمان مجاهدین خلق

محکومیت: ۱۰ سال حبس تعزیری به همراه تبعید

زندان: زندان اوین



این زندانی ۶۲ ساله بدلیل عدم رسیدگی پزشکی با احتمال فلج شدن بدلیل دیسک حاد کمر روبروست. او در زمان دستگیری مبتلا به بیماری آرتريت رماتیید در ستون فقرات و گردن، بیماری تیروئید و آب مروارید چشم بوده اما علیرغم وجود مدارک پزشکی و تایید کلیه مراحل تخصصی، از هرگونه اقدام درمانی برای او ممانعت می شود.

## آتنا فرقدانی

اتهام: اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به رهبری، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و ماموران بند ۲ الف سپاه در حین بازجویی محکومیت: ۱۲ سال و ۹ ماه حبس تعزیری  
زندان: زندان اوین



آتنا فرقدانی، فارغ‌التحصیل رشته نقاشی و فعال مدنی و کاریکاتوریست که در ۲۰ دیماه ۹۳ برای محاکمه در دادگاه احضار شده بود با ضرب و شتم توسط ماموران امنیتی رژیم ایران بازداشت شده و به زندان قرچک منتقل شد. آتنا فرقدانی در بهمن ماه همان سال در اعتراض به عدم رعایت اصل تفکیک زندانیان سیاسی از غیرسیاسی در آن زندان دست به اعتصاب غذا زد و پس از ۲۱ روز اعتصاب، در تاریخ ۷ در بیمارستان بستری شد و سپس به زندان اوین منتقل شد. وی پیش از این نیز در شهریور ۹۳ به خاطر کشیدن طرحی از نمایندگان مجلس از ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد منع شد و زندانی شده و دو ماه در بازداشت سپری کرد که ۲۰ روز آن را در سلول انفرادی بسر برد. او در طول بازداشت از داشتن وکیل و دیدار با خانواده خود محروم بود. آتنا به مدت ۱۱ روز در اعتصاب غذای تر و سپس لاقط ۲ روز در اعتصاب خشک بسر برد. او در زندان متوجه نصب دوربین در داخل دستشویی و حمام شد و به گفته خود مورد آزار جسمی و روحی از سوی ماموران زندان قرار گرفته بود. که موضوع افشاگری های بعدی او بود. در ۲۳ خرداد وقتی محمد مقیمی، وکیل آتنا جهت ملاقات با موکلش به زندان اوین مراجعه کرد به علت دست دادن با او بازداشت و سپس به زندان رجایی شهر منتقل شد و وکیل و موکل به رابطه نامشروع متهم شدند. مقامات دادگستری رژیم آتنا را بر همین اساس وادار به انجام تست بکارت نمودند این توطئه کثیف پس از اعتصاب غذای ۳ روزه آتنا به شکست انجامید و هر دو نفر در مورد این اتهام تبرئه شدند.

## ریحانه حاج ابراهیم دباغ

اتهام: محاربه از طریق همکاری با سازمان مجاهدین خلق ایران  
محکومیت: ۱۵ سال حبس در تبعید  
زندان: زندان اوین



ریحانه حاج ابراهیم دباغ، در جریان قیام سال ۸۸ به همراه همسر و پدر و مادر همسر خود (زندانی سیاسی مطهره بهرامی) به اتهام ارتباط با گروه مجاهدین خلق دستگیر شدند. او از شدت بیماری کولیت روده از خوردن غذا ناتوان شده است. ریحانه همچنین از دردهای عصبی در ناحیه کمر و پا رنج می برد اما از درمان مناسب محروم است.



دادستانی سال گذشته برای اعزام وی به مرخصی وثیقه ای ملکی معادل ۹۰۰ میلیون تومان درخواست کرده بود اما خانواده او تا امروز امکان پرداخت چنین وثیقه ای را نداشته اند.

### فهیمه اسماعیل بدوی

محکومیت: ۱۵ سال حبس

زندانی: زندان یاسوج



فهیمه ۲۶ ساله و معلم مقطع دبستان بود. در آذر ۱۳۸۴، در حالی که ۸ ماهه باردار بود، به همراه همسرش از موسسان حزب وفاق، بازداشت شد و کماکان در حبس بسر می برد.

### زینب جلالیان

اتهام: محاربه از طریق عضویت در حزب پژاک

محکومیت: حبس ابد

زندانی: زندان خوی



زینب جلالیان زندانی گرد در اسفند ۸۶ در ۲۵ سالگی دستگیر شد. او به دلیل ضرب و شتم در بازداشتگاه اداره اطلاعات شهر کرمانشاه دچار خونریزی داخلی و عفونت روده شد و با مشکلات بینایی مواجه گردید. ممانعت مقامات زندان از عمل چشم، طی این مدت باعث نابینایی یک چشم او شد. آخرین گزارشات در مورد او می گوید که چشم دوم او نیز دیگر نمی بیند. وی همچنین به بیماری برفک دهان مبتلا شده اما علیرغم درخواست های مکرر اجازه معالجه او در خارج از زندان داده نمی شود. وی بارها برای انجام مصاحبه تلویزیونی تحت فشار قرار گرفته و حتی مرخصی درمانی او به این امر مشروط می شود اما وی تابحال از اینکار امتناع نموده است. ۱,۵ سال است که به خانواده زینب اجازه ملاقات حضوری داده نمی شود و تنها ارتباط او با خانواده اش مکالمات ۲ دقیقه ای تلفنی است.

## زهرا کعبی

محکومیت: بلا تکلیف

زنداد: نامشخص

روز یکشنبه پنجم مرداد ماه ۹۳، زهرا کعبی، توسط ماموران امنیتی لباس شخصی در مشهد بازداشت شده و به مکان نامعلومی منتقل شد. از وضعیت و موقعیت وی اطلاعی در دست نیست.



## مریم مقدسی

اتهام: اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ علیه نظام و همکاری با احزاب کرد

محکومیت: ۹ سال حبس تعزیری

زنداد: اوین



مریم مقدسی زندانی سیاسی کرد در سال ۱۳۸۹ در جریان اعتراضات بر علیه اعدام زندانی سیاسی کُرد شیرین علم‌هولی و ۴ تن دیگر بازداشت شد و لا اقل تا ۴ سال هیچ اطلاعی از وضعیت او در دست نبود.

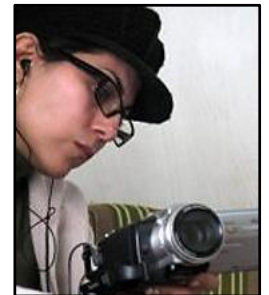
۱۳ دی ۹۳ بدلیل تشدید بیماری کلوی به بیمارستانی خارج از زندان منتقل شد. وی در آن زمان نسبت به وضعیت وخیم زندان و بی توجهی مسوولین زندان دست کم به مدت ۱۲ روز دست به اعتصاب غذا زد تا جایکه بدلیل تشدید بیماری به بیمارستانی در تهران منتقل شد اما محل بیمارستان به خانواده او که از کردستان بری دیدنش رفته بودند گفته نشد.

## مهناز محمدی

اتهام: تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی

محکومیت: ۵ سال حبس تعزیری

زنداد: زندان اوین



مهناز محمدی، مستندساز و از فعالان حقوق زنان، روز ۱۷ خرداد ۹۳ خود را برای گذراندن پنج سال حبس تعزیری به زندان اوین معرفی کرد و لا اقل تا ۱۵ روز از هرگونه تماس با خارج از زندان محروم بود. اتهامات او از جمله همکاری با شبکه‌های الجزیره، رسانه‌های آلمانی، آمریکایی، رادیو فرانسه و ... ساخت مشترک فیلم مستند "ما نیمی از جمعیت ایرانیم" و شرکت در تجمعات سال ۸۸ و مراسم ختم شهدای قیام.

وی پیش از این نیز در سال ۸۸ و ۹۰ در دو دوره کوتاه زندانی شده بود.

مهناز محمدی با یک بیماری شبیه به ام اس دست به گریبان است و باید برای جلوگیری از فلج‌های موضعی و دردهای شدید عضلانی داروی خاصی مصرف کند.

## نرگس محمدی

اتهام: تبلیغ علیه نظام، اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی و تشکیل و عضویت در گروه غیرقانونی لگام  
محکومیت: ۶ سال حبس تعزیری  
زندان: اوین



نرگس محمدی، نائب رییس کانون مدافعان حقوق بشر، در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۹۴ بدون دریافت احضاریه، با هجوم به منزلش بازداشت شد.

نرگس محمدی به بیماری‌های آمبولی ریه و فلج عضلانی مبتلا است و روزانه باید ۲۳ نوع دارو مصرف کند اما مقامات زندان علیرغم خطرناک بودن وضعیت جسمی او در دسترسی او به داروهایش کارشکنی می‌کنند.  
پیشتر که در سال ۱۳۹۱ خانم محمدی در زندان بود، به دلیل مواجه شدن با شوک عصبی، عدم تحمل کیفری او ثابت و با وثیقه ۶۰۰ میلیون تومانی بصورت موقت آزاد گردیده بود.  
در اواخر دیماه سال جاری، در حالیکه وی مشغول سپری کردن محکومیت خود بود وزارت اطلاعات پرونده جدیدی را علیه وی به جریان انداخت و درخواست اشد مجازات علیه او را نمود. اتهام جدید به خاطر اعتراض به رفتار ضد انسانی و توهین آمیز ماموران در حین قرار پزشکی تنظیم شده است. قابل ذکر است این پرونده حتی برای مطالعه نیز به وکیل خانم محمدی داده نشده است.  
ماموران زندان به این زندانی که مادر ۲ کودک ۸ ساله است حتی امکان تماس تلفنی با فرزندانش را نمی‌دهند.

## صدیقه مرادی

اتهام: هواداری و فعالیت موثر در پیشبرد اهداف سازمان مجاهدین خلق ایران  
محکومیت: ۱۰ سال حبس در تبعید  
زندان: اوین



زندانی سیاسی صدیقه مرادی ۵۵ ساله مادر یک دختر ۱۷ ساله در اردیبهشت ۹۰ دستگیر شد و ۷ ماه را در بند ۲۰۹ اوین گذراند. روز ۷ شهریور ۹۴ فشار خون وی به شدت افت کرده و به ۶ روی ۴ رسید. همبندیان وی سراسیمه او را به بهداری زندان منتقل کردند اما بهداری زندان پس از مدتی کوتاه بدون درمان جدی او را به بند باز می‌گرداند چرا که بازجویان وزارت اطلاعات مانع انتقال وی به بیمارستانهای خارج از زندان می‌شوند.

او همچنین از ناراحتی معده، درد شدید فک و دندان‌ها، آرتروز گردن، پارگی مینیسک و تاندن پا و همچنین مشکل بینایی که بر اثر ضربات شکنجه گران ایجاد شده رنج می‌برد.

وی برای هر یک از این موارد نیاز به رسیدگی پزشکی در خارج از زندان دارد. وی همچنین با توجه با پارگی مینیسک نباید از پله بالا و پایین برود. این امر با توجه به ساختار بند زنان فشار مضاعفی بر او وارد می‌کند.

خانواده این زندانی تاکنون بارها برای وی از پزشکان متخصص وقت گرفته‌اند. اما مسئولین هر بار به علتی از اعزام وی طفره می‌روند. درد صدیقه مرادی به حدی است که نمی‌تواند بخوابد و یا به امورات روزمره خود برسد.

او پیش از این نیز در سالهای ۶۰ زندانی بوده و از بازماندگان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ می‌باشد.

### فاطمه مثنی

اتهام: متهم به همکاری موثر با سازمان مجاهدین خلق ایران

محکومیت: بلاتکلیف

زندان: زندان اوین

فاطمه مثنی متولد ۱۳۴۷ و همسرش حسن صادقی به همراه پسر ۱۷ ساله شان‌نیم، در اسفند ۹۱ در حالیکه قصد برگزاری مجلس ختم خانگی برای پدر حسن را داشتند که در کمپ لیبرتی عراق در گذشته بود، بازداشت شد.

وی تا ۸ ماه در بلاتکلیفی در سلولهای انفرادی بسر برد. هر چند این خانواده یک سال بعد به قید وثیق آزاد شدند اما فاطمه در مرداد ۹۳ از طرف دادگاه به ۱۵ سال زندان محکوم گردید.

فاطمه پیش از این نیز در دهه ۶۰ در حالیکه ۱۳ سال پیش نداشت زندانی بود.

### ثریا نخعی

ثریا از مربیان عرفان حلقه به رهبری محمد علی طاهرزاده می‌باشد که روز ۱۷ مهر ماه در شهر کرمانشاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. از وضعیت و اتهامات وارده به او تا لحظه تنظیم این خبر اطلاعی در دست نیست.

وی پیش از این نیز سابقه بازداشت داشته است

### روژین پایا

اتهام: عضویت و طرفداری از حزب پژاک

محکومیت: ۶ سال حبس

زندان: زندان یاسوج

روژین اهل یکی از روستاهای ارومیه در سال ۱۳۸۹ به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شد.

او از خرداد سال ۹۲، برای تحمل ادامه حبس از زندان ارومیه به زندان یاسوج منتقل شده است.

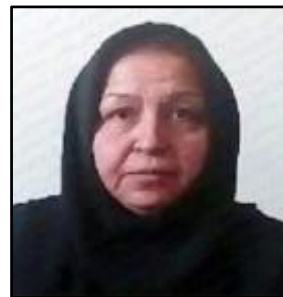


## زیبا پور حبیب

اتهام: عضویت و همکاری در گروه عرفان حلقه

محکومیت: ۳ سال حبس تعزیری

زندان: زندان اوین



زیبا پور حبیب ۵۶ ساله، مربی «عرفان حلقه» یکی از ۲۶ فعال عرفان حلقه است که با اتهام‌های «توهین

به مقدسات»، «دخالت در امور پزشکی» و «کسب مال نامشروع» محاکمه شده‌اند. وی در روز ۱۰ تیرماه ۱۳۹۴ برای گذراندن محکومیت خود به زندان رفت. او سپس توسط مقامات زندان به زندان قرچک ورامین منتقل شد.

این زندان که اصل تفکیک جرائم در آن رعایت نمی‌شود، هزاران متهم به قتل، دزدی و قاچاق مواد مخدر را در خود جا داده است. زندان بسیار تنگ و غیر بهداشتی است و آب آن بدلیل نمک فراوان باعث بیماری‌های پوستی و چشم می‌شود.

## قدریه قادری

اتهام: عضویت در پ.ک.ک و اقدام علیه امنیت ملی از طریق تبلیغ به نفع این حزب و ایجاد سازماندهی

شهری

محکومیت: ۷ سال حبس تعزیری

زندان: زندان یاسوج



قدریه قادری تبعه ترکیه در سال ۸۹ بازداشت و پیش از دو ماه در سلول انفرادی زیر شکنجه به سر برد. این زندانی کرد در اردیبهشت ۹۴، دست به یک اعتصاب غذای طولانی زد.

قدریه در طول دوران زندان به عفونت گوش، سردردهای شدید و بی‌حسی یک دست مبتلا شد. پزشک متخصص برای تشخیص بیماری او، درخواست انجام آزمایش سی‌تی‌اسکن داده است، اما مسوولین زندان از اعزام وی به بیمارستان خودداری می‌کنند. در دی و بهمن سال جاری مقامات زندان برای فشار به این زندانی سیاسی از وی خواسته‌اند تا قرآن حفظ کند و تا آن زمان از هرگونه ملاقات محروم است. این در حالی است که قاضی پرونده برای او مرخصی صادر کرده و خانواده وی وثیقه ۱۰۰ میلیونی را پرداخت کرده‌اند.

## فاطمه رهنما

اتهام: متهم به همکاری موثر با سازمان مجاهدین خلق

محکومیت: ۱۰ سال حبس تعزیری

زندان: زندان سپیدار اهواز

## رویا صابری نژاد نوبخت

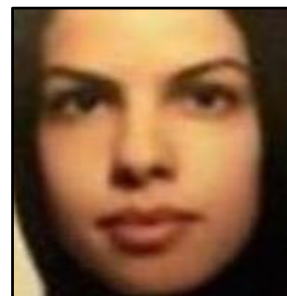
اتهام: اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به مقدسات و توهین به سران قوا محکومیت: ۵ سال حبس تعزیری  
زندان: اوین



رویا صابری نژاد نوبخت ۴۷ ساله با وضعیت نامساعد جسمی در زندان نگهداری می شود. وی در طول یک هفته ۳ بار دچار حمله عصبی شدید شد. اولین بار در اثر حمله عصبی به زمین خورد و از ناحیه سر دچار آسیب شد. پزشک کشیک زندان حال وی را طبیعی توصیف و با تزریق دیازپام او را مرخص نمود. معالجه او در خارج از زندان توسط مقامات زندان رد شده است. رویا صابری نژاد نوبخت دارای تابعیت دوگانه ی ایرانی - انگلیسی، یکی از ۹ فعال شبکه های اجتماعی است که در مهرماه ۱۳۹۲ توسط قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران پس از رجوع به کشور در شیراز دستگیر شد. رویا صابری بیش از یکسال و نیم از دوران حبس خود را در بند عمومی زندان قرچک گذراند.

## صفیه صادقی

اتهام: محاربه از طریق عضویت در حزب پژاک  
محکومیت: ۱۵ سال حبس تعزیری  
زندان: زندان سنندج



صفیه صادقی در سال ۸۹ دستگیر و نزدیک به چهار ماه در سلولهای افرادی تحت بازجویی سخت قرار داشته است. وی در این مدت از حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده محروم بوده و برای گرفتن اعتراف علیه خود تحت شکنجه و ضرب و شتم بود. وی از بیماری قلبی و کلیوی رنج می برد و با خطر از دست دادن یک کلیه روبه روست. اما ماموران زندان علیرغم وجود همه مدارک پزشکی از اعزام صفیه صادقی به بیمارستان جلوگیری می کنند.

## رویا سعیدی

اتهام: هواداری از یک گروه «معاند نظام»  
محکومیت: بلا تکلیف  
زندان: زندان اوین

رویا سعیدی ۵۶ ساله در تیر ۱۳۹۲ در منزل مسکونی خود بازداشت شد. او پس از ۷۰ روز حبس در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ اوین، به بند زنان زندان اوین منتقل شده است.

## فریده شاهگلی

اتهام: انتشار برخی مطالب در صفحه فیس بوک و «تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبر نظام»  
محکومیت: ۳ سال حبس  
زندان: زندان اوین



فریده شاهگلی ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ به زندان اوین احضار، اما پس از مراجعه به دادسری اوین برای اجرای حکم سه سال زندان به بند زنان زندان اوین منتقل شد. او دارای تابعیت ایرانی - آلمانی است.  
او در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی نوشت که در مدت ۵۰ روز بازداشت زیر فشار وادار به اعترافات غیر واقعی شده است.

## نعیمه تقوی

زندان: زندان تهران

نعیمه تقوی تاریخ ۳ شهریور ماه ۱۳۹۴ در جریان تجمع فعالان عرفان حلقه در اعتراض به صدور حکم اعدام برای رهبر این گروه بازداشت گردید. و تاکنون از شرایط نگهداری و وضعیت قضایی او اطلاعی در دست نیست.

## زهرا زهتاب چی

اتهام: هواداری و فعالیت موثر در پیشبرد اهداف سازمان مجاهدین خلق ایران  
محکومیت: ۱۲ سال حبس تعزیری  
زندان: زندان اوین



زهرا زهتاب چی ۴۵ ساله، پژوهشگر علوم اجتماعی در ۲۴ مهر ۹۲ به‌مراه همسرش دستگیر و پس از دستگیری بیش از ۱۰ ماه را در سلول انفرادی گذراند. او تاکنون هیچگونه مرخصی نداشته است.  
وی مادر دو دختر خردسال است که هم اکنون وضعیت روحی بدی دارند.  
وی پیشتر نیز در سال ۱۳۸۸ در پی انجام یک نظرسنجی درباره نتایج انتخابات بازداشت شده بود.

## نگاهی به وضعیت داخل زندانها و بندهای زنان

برای درک بهتر شرایط زندانیان سیاسی زن باید از شرایط کلی زندانها برای زنان زندانی آگاه بود. در زیر شرایط بند زنان بعضی زندانها را از نظر می گذرانیم.

### زندان اوین:



اکثر زندانیان سیاسی در این زندان نگهداری می شوند. یک بند عمومی برای زنان در زندان اوین وجود دارد که زندانیان را پس از پایان تحقیقات به آن بند منتقل می کنند. زندانیان این بند از امکان تماس تلفنی محرومند که شرایط را بطور خاص برای مادران سخت می کند.

در چند مورد مار سمی، موش و سایر موجودات موذی در زندان مشاهده شده است. روز سه شنبه ۹ آبان ماه ۹۱ نیروهای گارد یگان حفاظت زندان اوین ناگهان به بند زنان حمله کردند. آنها وسایل شخصی زندانیان را مورد تفتیش قرار داده و به شکل توهین آمیزی به بازرسی بدنی زندانیان پرداختند. در حالیکه بند زنان با استفاده از دوربین های امنیتی مستمر مانیتور می شود، مامورین مرد گاه و بی گاه به بهانه های مختلف و بدون هماهنگی و در ساعات غیر اداری وارد این بند می شوند.

در تابستان ۹۲ کولرها تماما خراب بود و بند لا اقل تا انتهای مرداد هیچگونه تهویه ای نداشت. در دیماه ۹۳، گوشت داخل غذا و وعده صبحانه زنان زندانی سیاسی بکلی قطع شد. زندانی مسیحی، مریم نقاش زرگران که پس از گذشت ۱۷ ماه حبس به مرخصی رفته بود وقتی در روز ۲۱ آبان ۹۳ به زندان مراجعه کرد به بهانه بازجویی او را وادار به برهنگی کامل پیش روی حاضران کرده و در همان حالت به بازرسی توهین آمیز بدنی پرداختند.

**بند ۲۰۹**، مخوف ترین بخش زندان اوین است که افراد زیر شکنجه در آنجا نگهداری می شوند این بند از ۱۰ ردیف تشکیل شده که در هر ردیف ۸ سلول انفرادی قرار دارد.



سلولها انفرادی طراحی شده اند و در خودشان روشویی و توالت دارند. اما ماموران به خاطر تراکم زندانی تا بیش از ۱۰ نفر را در این سلولها نگهداری می کنند.

اتاق شکنجه این بند در زیر زمین آن واقع شده و برای انواع شکنجه های قرون وسطایی مجهز شده است. (از آپولو تا تختهای مشبک برای زدن کابل، و میله های سقفی برای آویختن زندانیان از پا یا به صورت قپانی شده از پشت. هیچ شخصی غیر از پرسنل و متهمین، حتی عالی رتبه ترین مقامات حق ورود به محدوده بازداشتگاه ۲۰۹ وزارت اطلاعات را ندارند. زندانبانان مرتب با شایعه پراکنی، زنان را مورد شکنجه روحی قرار می دهند.

**بند متادون:** در بند زنان اوین سالن همیشه در بسته‌ای وجود دارد که زندانی‌ها به آن، نام «بند متادون» را داده‌اند. بند متادون، یک سلول جمعی در بسته مجهز به دوربین مدار بسته است و زندانی را از آزادی عمل در محدوده‌ی کوچک زندان نیز محروم می‌کند. زندانیان از حق رفت و آمد در راهرو و هواخوری محرومند و ناچار هستند تمام ساعات خود را در همان سالن در بسته بگذرانند. درب ورود و خروج سالن فقط هنگام توزیع غذا باز می‌شود.

هر سلول ۳×۱٫۵ متر مساحت دارد که ۴ نفر را در آن جای می‌دهند. یک عدد مسواک، یک صابون و یک حوله به اضافه سه تا پتو برای این ۴ نفر موجود است. زندانیان باید در همان هوایی نفس بکشند که به سرویس می‌روند.

## زندان قرچک ورامین:



این زندان اصلی ترین محل نگهداری زنان زندانی است که در منطقه ای بسیار بد آب و هوا در بیابان های شرق تهران واقع است و حدود ۱۲۰۰ زندانی در آن جا داده شده است. در اطراف زندان قرچک ورامین، مرداب و نی زار وجود دارد که موجب افزایش موش و حشرات موذی در زندان می شود.

۷ سوله خیلی بزرگ، کثیف و تاریک، ساختمان این زندان را تشکیل می دهد. هر سوله ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر زندانی دارد. تخت‌هایی که به شکل U چیده شده سوله‌ها را به اتاق‌های متعدد تقسیم کرده است. تخت‌ها تنها ظرفیت چند ده نفر را دارند و بقیه زندانیان مجبورند در فضای خالی بین تخت‌ها تا مقابل سرویس‌های بهداشتی روی زمین بخوابند. این در حالی است که محلی برای صرف غذا یا نشیمن در زندان وجود ندارد و زندانیان باید همه کار خود را روی تخت خود انجام دهند.

روزانه ۳ وعده غذا به زندانیان داده می‌شود که اگر زندانی به خود نجنبند آنرا از دست می‌دهد. اگر زندانی برای غذای بیشتر یا برای عدم دریافت سهم غذا اعتراض کند مورد ضرب و شتم زندانبانان قرار می‌گیرد. زندانیان آنقدر از گرسنگی تحت فشار هستند که بعضی اوقات حتی زندانیان مسن، بعد از دیدن غذای زندانبانان، ساعت‌ها در حسرت مقداری نان و کره گریه می‌کنند. وعده‌های غذایی یک نواخت است؛ سیب زمینی آب‌پز، ماکارونی و نان. زندانیان طی سالیان متمادی هیچ گوشتی در غذای خود نمی‌بینند. برنج با کیفیت بسیار بد و با کافور پخت می‌شود. بهترین شام زندان یک بار در هفته، سیب زمینی و تخم مرغ آب‌پز است. بقیه شب‌ها غذا از آبی محتوی حبوبات تشکیل شده که همیشه حاوی حشرات و آلودگی‌های دیگر می‌باشد. بیماری‌های عفونی، هپاتیت و ایدز نیز در بین زندانیان شایع است. مسئولین تفکیکی برای زندانیان بیمار این چنینی قائل نیستند و از آن جایی که معاینات ماهانه و آزمایش پزشکی وجود ندارد، آمار دقیقی از زندانیان ایدزی و هپاتیتی هم وجود ندارد. از سوی دیگر، رسیدگی پزشکی در این زندان جایی ندارد. مسئولین زندان می‌گویند بودجه‌ای برای این کار به ایشان تعلق نمی‌گیرد. آنها در عین حال از ورود دارو توسط خانواده‌ها نیز به بهانه‌ی کنترل ورود مواد مخدر جلوگیری می‌کنند. بازار سیاه دارو در زندان رواج دارد. قیمت یک عدد قرص مسکن پروفن دو هزار تومان است. محلی به نام بهداشتی وجود دارد اما این محل حتی در زمان وجود بیمار اورژانسی هم، فعالیت نمی‌کند. چندی پیش یک زندانی به بهانه نبودن مامور اعزام، در حین زایمان فوت نمود. نگهداری زندانیان با سن ۱۸ سال در کنار زندانیان ۵۰ ساله با جرائم مختلف هم، یکی از معضلات دیگر این زندان است و تجاوز به زندانیان کم‌سن و سال از سوی زندانیان تبهکار، کابوس شبانه‌ی دختران زندانی است.



آب خوردن سالم موجود نیست و زندانیان که استطاعت خرید آب معدنی را ندارند راهی جز آشامیدن آب شور نمی یابند. هر سوله ۴ دستشویی و ۴ حمام دارد که معمولاً دست کم ۲ حمام و یک سرویس کاملاً خراب هستند. حمام تنها یک ساعت در روز آب گرم دارد و اغلب زندانیان مجبورند با آب سرد استحمام کنند. علاوه بر این آب در بسیاری از ساعات روز قطع است.

این محل ها علاوه بر سرویس بهداشتی محل آبخوری، ظرفشویی و رختشویی زندانیان نیز می باشند. کف سرویس را همیشه دست کم چند میلی متر آب فرا گرفته است که با دمپای های پاره زندان، پای زندانیان در هر بار تردد خیس و آلوده می شود.

در نبود توالت کافی مدفوع سرتاسر سالن زندان را پوشانده است.

بسیاری از زندانیان کچل هستند چرا که در این محل کثیف، سرشان به سرعت لانه پشه می شود و در نبود داروی نظافتی، راهی جز تراشیدن مو نیست.

آبی که برای حمام یا دستشویی استفاده می شود کاملاً شور است آنقدر که صابون را می ماساند و لباسهایی که زندانیان می شویند از شدت غلظت نمک بسرعت از بین می روند و پوست و موی زندانیان تماماً پوسته می اندازد. زندانیان بدلیل کمبود شدید ساده ترین امکانات، مرتباً با هم دعوا می کنند.

یک بند مخصوص مادران وجود دارد که تقریباً ۲۰ کودک زیر ۲ سال را بهمراه مادرانشان محبوس کرده است. کودکان بالاتر از دو سال به بهزیستی تحویل داده می شوند.

عدم وجود کوچکترین سیستم برای تهویه هوا، وضعیت اسفبار بهداشتی را بدتر کرده است.

محیط هواخوری زندان در بهترین حالت تنها ظرفیت چند ده نفر را دارد. مکانی که نه یک محوطه باز بلکه یک اتاق بسته با دیوارهای بلند اما بدون سقف می باشد.

در ۸ اردیبهشت ۹۳، زندانبانان به زندانیان قرچک حمله کردند و آنان را با باتوم و شوکر برقی ضرب و شتم کردند. این حمله در پی اعتراض زنان به بسته شدن هواخوری و ممنوعیت کشیدن سیگار رخ داد. حمله مشابهی هم دو سال پیش در این زندان رخ داده بود.

طبق گزارشی در بهمن ۹۳، زندانبانان زندانیانی را که تازه وارد این زندانی می شوند لخت می کنند که توسط زندانیان مورد اعتماد، بازرسی داخلی مقعد و مهبل می شوند. به طوری که همین عمل زندانیان را دچار بیماری های قارچی و عفونی می کند. این عمل آنقدر وحشیانه انجام می شود که تا چند روز حتی نشستن را برای قربانی سخت می کند.

در خرداد ۹۴ آب زندان لا اقل به مدت ۴ روز تماماً قطع بود.

در مرداد ۹۴ طی ماه رمضان زندانیان مرتباً از طریق بلندگوهای بند تهدید می شدند که اگر اقدام به روزه خواری کنند شلاق خواهند خورد.

در شهریور ۹۴، بالا آمدن فاضلاب در هواخوری زندانیان و انتشار بوی تعفن حاصله از عدم تخلیه زباله ها شرایط را برای زندانیان بسیار طاقت فرسا تر نمود. زندانیان دارای ناراحتی تنفسی با شرایط حادثتری مواجه شدند.

در این زندان زنان، اصل تفکیک جرایم اجرا نمی شود. نزدیک به ۴۵ زندانی زیر حکم اعدام در میان انواع جرایم زندگی می کنند.

زندان کتاب خانه ندارد و روزنامه هم در اختیار زندانیان، به خصوص زندانیان سیاسی، گذاشته نمی شود.

انتقال به زندان قرچک همواره یکی از تهدیدهایی است که مسئولان دادستانی تهران و زندان اوین به عنوان عامل فشاری برای زنان بند سیاسی زندان اوین به کار می‌برند.

### زندان رجایی شهر کرج:

به دلیل وجود زندانیان شرور، درگیری و کشمکش‌های خونین از جمله اتفاقات رایج در زندان رجایی شهر کرج است. طی دو سال، سه مورد تجاوز منجر به قتل در بند زنان اتفاق افتاد. مجری اصلی این قتل‌ها در سلول مجاور زندانیان سیاسی می‌باشد. بند در حال حاضر ۲۰۰ زندانی زن با جرایم مختلف را در خود جا داده است در حالیکه تنها یک سرویس بهداشتی و یک حمام دارد. آب این اماکن معمولاً قطع است و فقط چند ساعت از شبانه‌روز امکان استفاده از سرویس بهداشتی برای زندانیان فراهم است. زندانیان زندان رجایی شهر، به طور روزانه، تنها یک ساعت از آب گرم برخوردارند و در سایر ساعات روز، در صورت استحمام، می‌بایست از آب سرد استفاده کنند.

### زندان دیزل آباد کرمانشاه:

در این زندان زندانیان زن بصورت فشرده در کنار هم جاداده شده‌اند و در سلولی که گنجایش سه نفر دارد هفت نفر نگهداری می‌شوند. هر دو روز یک بار سلول‌های زندانیان بازرسی می‌شود و وسایل‌شان توقیف می‌شود و یا مثلاً کتابهایشان را پاره می‌کنند. طی روز فقط نیم ساعت به زندانیان هواخوری داده می‌شود. سلول‌ها فاقد هرگونه وسایل تهویه و سرمایش و گرمایش است. فروشگاه زندان فقط سه نوع کالا مثل ویفر و چای و ساندیس می‌فروشد و زندانیان هیچ دسترسی به مواد دیگر ندارند. ماموران برای اعتراف گرفتن از زندانیان آنها را تهدید به تجاوز می‌کنند.

### زندان مرکزی مشهد یا زندان وکیل آباد:

بند ۵ زنان زندان مرکزی وکیل آباد مشهد یک بند اختصاصی برای زندانیان سیاسی است. درب بغیر از ۲ ساعت، در بقیه ساعات شبانه روز بسته است. این زندانیان حق صحبت و تماس با سایر زندانیان زن را ندارند. بند زندانیان سیاسی زن اتاقی بسیار کوچک با پنجره‌ای آهنی به طول نیم متر است که به سختی نور آفتاب از آن به درون سلول می‌تابد. از این اتاق تا دو سال و نیم پیش به عنوان



انباری زندان استفاده می‌شد.

مساحت کم اتاق و نبود فضای مناسب به زندانیان اجازه قدم زدن در اتاق را نمی‌دهد. همچنین به دلیل کمبود جا فقط پنج یا شش نفر می‌توانند در زمانی واحد بر زمین بنشینند و سایر زندانیان باید در آن ساعت بر تخت‌های خود نشسته یا خوابیده باشند. وجود حمام و دستشویی در اتاقی کوچک با جمعیت بیش از ظرفیت موجب بروز مشکلاتی برای زندانیان شده است. ملاقات‌ها به بهانه‌های مختلف قطع می‌شود. همچنین این زندانیان از ارسال و دریافت نامه هم محروم هستند.

## زندان ارومیه:

زندان مرکزی ارومیه حدود ۳۰۰ زندانی زن دارد که ۱۰۰ نفر از آن‌ها با حکم اعدام مواجه هستند.

## زندان عادل آباد شیراز:

بند زنان از یک آشپزخانه قدیمی تشکیل شده که فقط یک سوم آن قابل استفاده است. قسمتی از سقف باز است که در زمستان از آن باد سرد می‌آید و هنگام باران نیز کف سلول پر از آب شده و محل نشستن و خوابیدن زندانیان خیس می‌شود. در این سلول از نور آفتاب خبری نیست. کف و دیوارهای سلول همه کاشی شده است که با وجود تنها یک یا دو پتو که به هر زندانی می‌رسد شرایط سختی برای زندانیان بوجود می‌آورد.

یک توالت در داخل همین فضای کوچک وجود دارد. هواکشی برای این محل تعبیه نشده و حتی سیستم سیفون هم معمولاً خراب است.

حمام در این سلول وجود ندارد و زندانیان برای استحمام از یک شلنگ نسبتاً بلند استفاده می‌کنند که آن‌را به شیر ظرف‌شویی وصل می‌کنند و یک نفر شلنگ را می‌گیرد تا دیگری استحمام کند. این در شرایطی است که سایر زندانیان در دو یا سه قدمی او نشسته‌اند.

آب ناشی از شستشوی ظروف و استحمام در کف سلول جاری می‌شود و با یک جارو باید آن را به طرف چاه کنار سلول هدایت کرد.

زندانبانان بیشتر روزها از دادن سه وعده غذایی به زندانیان امتناع می‌کنند. این موضوع با توجه به اینکه این زنان امکان خرید هم ندارند برای آنها خیلی سخت است.

## زندان مراغه:

تعداد زندانیان زن این بند بین ۱۵ تا ۳۰ نفر متناوب است. این در حالی است که بند تنها از یک اتاق تشکیل شده و تنها ظرفیت ۷ تا ۸ زندانی را دارد. فضای کوچک و بسیار محدود بند زنان شرایط روحی روانی نامناسبی را بر زندانیان این بند حاکم کرده است بخصوص که تفکیک جرائمی نیز وجود ندارد.

زندانیان از داشتن سرویس بهداشتی مناسب، محل مناسب جهت استراحت و غذای کافی و سالم محرومند.

زندانیان دچار بیماری‌های عفونی نظیر عفونت مجاری ادرار می‌شوند. این بیماری‌ها بطور خاص در کودکان موجود در زندان شایع است.

## زندان سنندج:

بند زنان زندان سنندج یک سالن بزرگ، تیره و تاریک است. ده تخت سه طبقه که روی هم ۳۰ جای خواب را تشکیل می‌دهد، دور تا دور سالن بند زنان قرار دارد. دیوارهای سالن بلند و به رنگ سبز تیره است. هیچ پنجره‌ای ندارد جز هواکشی که در وسط سقف تاریک سالن خود نمایی می‌کند.

حدود ۳۰ زندانی در این بند به اتهامات مختلف اسیرند. اصل تفکیک جرایم در این زندان اجرا نمی شود. این بند یک هواخوری بسیار کوچک دارد که در حدود پنج یا شش متر است و عملاً زندانیان از حق هواخوری محروم هستند. بخصوص که از این فضای کوچک نیز برای خشک کردن لباس زندانیان استفاده می شود و هیچ مکانی برای هواخوری آنان باقی نمی ماند. این امر باعث شده که برخی از زندانیان به بیماری های مختلف ناشی از نبود آفتاب مبتلا شوند. استفاده از چادر برای زندانیان زن اجباری است.

زندان سیاسی زن از حق ملاقات حضوری محروم اند و تلفن ها نیز معمولاً بمدت طولانی خراب هستند. در این زندان یک بند مخصوص دختران جوان نیز وجود دارد. پنج دختر ۱۳، ۱۶ و ۱۸ ساله در این اتاق نگهداری می شوند. زندانیان با مشکلات بهداشتی روبرو هستند و وضعیت حمام مناسب نیست و زندانیان از نبود الزامات بهداشتی خاص زنان و مواد شوینده رنج می برند.

## زندان تبریز:

این زندان ۳ برابر ظرفیت خود زندانی دارد. بسیاری از زندانیان تخت ندارند و کف زمین استراحت می کنند. غذا از نظر کیفیتی بسیار نامرغوب است و شیر و سبزیجات و میوه اساساً در برنامه غذایی زندانیان وجود ندارد. فروشگاه زندان نیز همه مایحتاج را با چند برابر قیمت می فروشد.



زندان برای تهیه مواد بهداشتی همچون شامپو، خمیر دندان، دستمال کاغذی، مسواک، صابون نیز با همین مشکل روبرو هستند بخصوص که اغلب زندانیان از قشرهای فقیر بوده و از پس تهیه نیازهای خود بر نمی آیند. هر زندانی تنها می تواند هفته ای یکبار به مدت ۱۰ دقیقه از حمام استفاده کند. این وضعیت سبب شده است تا زندانیان بخصوص در تابستان از بوی عرق خود و سایر هم بندهایشان ابراز ناراحتی کنند و از وجود شپش در موهایشان رنج ببرند. رابطه زندانبان با زندانیان فوق العاده تحقیرآمیز است. آنها بدون در نظر گرفتن شرایط سنی و موقعیت اجتماعی زندانیان آنان را با اسم کوچک صدا می زنند و برای انجام کارهای شخصی خود و کارهای زندان از آنان بیگاری می کشند. زندانبانان همچنین زندانیان را مجبور به خیرچینی علیه یکدیگر می کنند. این عمل باعث دعوا و درگیری در میان زندانیان می شود و فضای روانی بدی بوجود می آورد. زندانیان هنگام خروج از سلول مجبور می شوند چادرهای سرمه ای رنگ و ضخیم زندان را بر سر بگذارند. زندانیان غالباً از بیماری های روانی رنج می برند که یا در هنگام دستگیری و یا بعد از آن بدان مبتلا شده اند در حالیکه هیچ نوع مرکز مشاوره روانی در زندان وجود ندارد. زنان باردار بدون اینکه با توجه به وضعیت شان مورد کمترین حمایتی قرار نمیگیرند. تعدادی از آنها فرزندانشان را بعد از دنیا آوردن در نزد خود نگه می دارند در حالیکه حتی شیر به آنها داده نمیشود!

## زندان زاهدان:

این زندان مملو از زندانیان مواد مخدر است که بسیاری زیر حکم اعدام می باشند. تراکم این زندان بسیار بالا است. رفتار پرسنل و مأمورین زندان با زندانیان، خشن و غیرمحترمانه است و رفتارهای غیرقانونی و ضرب و شتم زندانیان بر خلاف قانون به بخشی از رویه این زندان تبدیل شده است.

وضعیت تغذیه و رسیدگی های درمانی زندان زاهدان نیز مانند اغلب زندان ها نامناسب است و علاوه بر آن اعزام به بیمارستان خارج از زندان نیز با عدم همکاری مسئولین زندان و دادستانی به سختی انجام می شود. در فروردین ماه ۹۲، جیره نان زندانیان قطع گردید. اعتراضات زنان زندانی به این موضوع با یورش گارد ویژه و ضرب و شتم آنان مواجه شد.

نیروهای گارد ویژه با باتون و سایر ابزار شکنجه به زنان زندانی یورش بردند و آنها را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند و در حدود ۲۰ زن زندانی را به سلولهای انفرادی بند قرنطینه منتقل کردند. سلولهای بند قرنطینه محل شکنجه زندانیان است.

## زندان مهاباد:

ساختمان زندان از نظر استحکام در شرایط بسیار خطرناکی قرار دارد و بسیاری از دیوار ها ترک برداشته است. این زندان فاقد کمترین امکانات سرمایشی و گرمایشی است. همچنین زندانیان از هرگونه امکان سرگرمی محرومند. غذای زندان با مواد اولیه بی کیفیت تهیه می شود و در اکثر اوقات قابل مصرف نیست و زندانی باید با هزینه شخصی، مواد اولیه ی تهیه غذا را با قیمتی دو تا سه



برابر نرخ های معمول تهیه کند.

تعداد زنان محبوس در بند زنان زندان مهاباد، نزدیک به ۵۰ زندانی زن است که همراه آنها تعدادی کودک زیر سه سال نیز در بند زنان نگه داری می شود.

در آبان ۹۴ ماموران اقدام به نصب ۱۲ دستگاه پارازیت در بندهای زندان کردند.

در ۲۶ مردادماه سال ۹۴ در نتیجه افزایش فشار مسئولان و زندانبانان بر زندان مهاباد ۳۰ زندانی زن بند زنان در اعتراض به وضع محدودیتهای جدید اعمال شده اقدام به اعتصاب عمومی کردند.

## زندان یزد

در این زندان حدود ۱۵۰ زندانی زن وجود دارد. اکثر زنان در این زندان مادر بودند، بعضی از آنها باردار بودند و در زندان بچه هایشان را به دنیا می آوردند. ده تا پانزده مادر در یک اتاق ۱۲ متری با فرزندانشان زندگی می کردند. حمام و دستشویی آنها هم در همان محیط بود. بچه ها برای بازی به هواخوری با ۱۵۰ زن دیگر آورده می شدند که هر کدام پیشینه های متفاوت اخلاقی و رفتاری داشتند.



یکی از بندهای زنان اتاقی است با شش تخت سه طبقه، یعنی هجده نفر تخت داشتند. چهل نفر در این اتاق بودند. هجده نفر تخت داشتند و بقیه باید کف این اتاق ۱۴ متری می خوابیدند و چند نفر در کریدور، در آشپزخانه و راهرو دستشویی می خوابیدند. وضعیت بهداشتی در این زندان بسیار نامناسب بود. در ماههای آخر سال ۱۳۹۴ در یکی از بندها شپش شیوع پیدا کرده بود. ملحفه، فقط به آنهایی که تخت داشتند داده می شد یعنی دوسوم زندانیان که کف خواب بودند ملحفه ای هم نداشتند. پتوها بسیار کثیف بود و خود زندانی باید به فکر شست و شوی آنها می بود درحالیکه جایی برای خشک کردن هم وجود نداشت. کل زندگی افراد در یک تخت خلاصه می شد که وسایلشان را در سبدهای پلاستیکی میوه می چیدند و در زیر تختها قرار می دادند. که از نظر بهداشتی بسیار بد بود.

چهار حمام و دستشویی برای صد و پنجاه نفر وجود داشت که اکثراً یکی یا دو تا از آنها خراب بود. شیرهای آب نشستی می داد. آشپزخانه همیشه کانون همه درگیریها بود. دو تا گاز سه شعله برای همه این ۱۵۰ نفر وجود داشت که با استفاده از وسایلی که از فروشگاه تهیه می کنند آشپزی کنند.

فروشگاه زندان یک کانکس در گوشه محل هواخوری بود که لانه موش بود و برای مثال کاموایی که از آنجا تهیه می کردند همه از وسط خورده شده بود. برای خرید از فروشگاه کوچک زندان چند برابر قیمت واقعی از ما پول می گرفتند و زندانیانی که پشتیبان مالی در بیرون زندان نداشتند حتی از الزامات اولیه زندگی مثل شامپو محروم بودند.

ملاقاتها با عجله و با استرس اتفاق می افتاد زیرا یا گوشی قطع می شد یا وقت ملاقات تمام می شد.